

Identification and evaluation of sociological factors affecting the political socialization of youth in Gachsaran city

Saman Hasani¹

Received: 9 January 2025

Amirali Dorosti^{*2},

Reception: 3 June 2025

Moosa Shahriyari³

Abstract

The present study has a fundamental objective and an applied approach, and the research method is qualitative-quantitative. This research was carried out in two stages: the qualitative part is to identify the sociological factors effective in the political socialization of the youth of Gachsaran city, and the quantitative part is to determine and assess the status of the identified components. The statistical population of this study included experts, professors, academic specialists, and faculty members of universities and research centers. For this purpose, 33 political socialization indicators effective in sustainable development were identified and evaluated. After extracting and identifying the sociological factors effective in the political socialization of the youth of Gachsaran city in this stage, first, the indicators of economic, social, and cultural factors are prioritized separately based on the degree of impact using the Friedman test, and then the sociological indicators effective in the political socialization of the youth of Gachsaran city are prioritized in general. Finally, the priority of the three economic, social, and cultural factors is examined in general, and finally the current status of these indicators among the youth of Gachsaran city is assessed. Friedman's test shows that the average impact of effective socialization factors on the political socialization of youth is the same, and in other words, no significant difference was observed between economic, social, and cultural factors in general in affecting the political socialization of youth in Gachsaran city.

Keywords: Sociology, Political Socialization, Youth, Gachsaran city

1. PhD student, Department of Social Sciences, Shushtar Branch, Islamic Azad University, Shushtar, Iran. samanhasani58@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Shushtar Branch, Islamic Azad University, Shushtar, Iran (Corresponding author). amirali123.dorosti@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Shushtar Branch, Islamic Azad University, Shushtar, Iran. Moosahriyari@gmail.com

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.498953.1206>

شناسایی و ارزیابی عوامل جامعه‌شناختی موثر در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان شهرستان گچساران

سامان حسینی ^۱ID تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰

امیرعلی درستی ^۲ID* تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳

موسی شهریاری ^۳ID

چکیده

پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی و رویکرد کاربردی دارد و روش تحقیق کیفی-کمی است. این تحقیق در دو مرحله به انجام رسیده است بخش کیفی شناخت عوامل جامعه‌شناختی موثر در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان شهرستان گچساران می‌باشد، بخش کمی تعیین و وضعیت سنجی مولفه‌های شناسایی شده می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل صاحب‌نظران، اساتید و متخصص دانشگاهی و عضو هیات علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی بوده است. برای این منظور ۳۳ شاخص جامعه‌پذیری سیاسی موثر بر توسعه پایدار شناسایی و ارزیابی شدند. پس از استخراج و شناسایی عوامل جامعه‌شناختی موثر در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان شهرستان گچساران در این مرحله، نخست، شاخص‌های عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت جداگانه بر اساس میزان تاثیر با استفاده از آزمون فریدمن اولویت بندی می‌شوند و سپس شاخص‌های جامعه‌شناختی موثر در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان شهرستان گچساران به صورت کلی اولویت بندی شده است. در انتها اولویت سه عامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت کلی بررسی شده و در نهایت وضعیت موجود این شاخص‌ها در بین جوانان شهرستان گچساران مورد سنجش قرار گرفته است. آزمون فریدمن نشان می‌دهد میانگین تاثیر گذاری عوامل جامعه‌پذیری موثر در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان یکسان است و به عبارت دیگر تفاوت معنی داری بین عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت کلی در تاثیرگذاری بر جامعه‌پذیری سیاسی جوانان شهرستان گچساران مشاهده نشد.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناختی، جامعه‌پذیری سیاسی، جوانان، شهرستان گچساران

دانشجوی دکتری گروه علوم اجتماعی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. samanhasani58@gmail.com

استادیارگروه علوم اجتماعی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران (نویسنده مسئول). amirali123.dorosti@gmail.com

استادیارگروه علوم اجتماعی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. Moosashahriyari@gmail.com

یکی از مقوله های بسیار مهمی که برای هر دولت و ملتی حائز اهمیت است حضور مشارکت مردم در عرصه های مختلف سیاسی و به طور اخص انتخابات است در واقع مردم در عرصه سیاست و همچنین شرکت آنها در انتخابات مهمترین مولفه در جهت تحکیم دولتها می باشد و هر چه حضور مردم چشمگیرتر باشد بی شک همکاری همیاری و تلاش آنها نیز در جهت پیشبرد اهداف تعیین شده برای کشور بیشتر و موثرتر می باشد پدیده مشارکت یکی از مهمترین ابعاد توسعه اجتماعی توسعه فرهنگی توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی در هر جامعه و خصوصاً جامعه رو به رشد ایران است و برخی از مشکلات ساختاری و عملکرد برنامه های توسعه ناشی از نارسائیهای است که در این حوزه داریم آنچه در این میان بر مسایل موجود میافزاید این است که نه مفهوم مشارکت و ابعاد آن در جامعه ما به خوبی تعریف شده است و نه عوامل تقویت کننده و یا در طیف دیگر تضعیف کننده آن موضوع مورد بررسی جدی قرار گرفته است (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۱).

مشارکت سیاسی جایگاه بلندی را در جامعه شناسی سیاسی به خود اختصاص داده است. و جنبه های مختلف آن مورد بحث و بررسیهای پژوهش گران قرار گرفته است مشارکت سیاسی با مهمترین مباحث مربوط به علم، سیاست، نظیر احزاب، گروه های فشار روابط مردم و حکومت جامعه مدنی و نظایر آن پیوند عمیق و ناگسستنی دارد با وجود متون غنی در این زمینه موضوع مشارکت و علل و انگیزه های آن همچنان مورد گفت و گو و مباحثه است و اختلاف در این مقوله محسوس و در خور ملاحظه می باشد و حقیقتاً همچنان در هاله ای از ابهام است (ایوبی، ۱۳۷۷، ۱۸۵).

شرکت در انتخابات یکی از انواع مهم مشارکت سیاسی است که خود به آن دسته از فعالیتهای ارادی دلالت دارد که از طریق آن ها اعضای یک جامعه در انتخاب تصمیم گیرندگان سیاسی مشارکت و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به سیاست عمومی نفوذ و دخالت می نمایند رای دادن در انتخابات معیار عمده اندازه گیری میزان مشارکت سیاسی مردم یک جامعه است. در ایران بالاخص پس از پیروزی انقلاب اسلامی انتخابات صرف نظر از اهمیتی که به طور معمول در یک نظام سیاسی مبتنی بر آرای مردم دارد عملاً به عنوان شاخص و آزمونی در جهت تثبیت نظام سیاسی و میزان محبوبیت و حمایت آن در بین مردم تلقی می شود. مشارکت سیاسی جزئی

از رفتار اجتماعی محسوب می‌شود چرا که اولاً به منزله یکی از ارکان و شاخصهای عمده توسعه سیاسی به شمار می‌رود. ثانیاً رابطه تنگاتنگی با مشروعیت نظامهای سیاسی دارد و ثالثاً به میزان زیادی بیانگر نوع نظام سیاسی هر جامعه ای است بنابراین مطالعه مشارکت سیاسی هر جامعه ای شناخت رفتار سیاسی مردم آن را میسر می‌سازد و مشخص می‌کند که در بسترهای اجتماعی گوناگون میزان مشارکت سیاسی تحت تأثیر چه عواملی تغییر می‌پذیرد ((پناهی، ۱۳۸۳، ۹۱-۹۰). مشارکت سیاسی یکی از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است و یکی از اساسی‌ترین صورتهای روابط اجتماعی بوده و به عنوان یکی از محورهای موضوعی در جامعه شناسی تلقی شده است دایره المعارف بین المللی علوم، اجتماعی، مشارکت سیاسی را فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاست گذاری عمومی تعریف کرده است (مصطفی، ۱۳۷۵، ۱۹). رای دهی و مشارکت در انتخابات آشکارترین نوع مشارکت سیاسی برای اغلب شهروندان در جوامع مردم سالار است. رای دادن موثرترین و عملی‌ترین وسیله برای شهروندان است تا افکار و عقاید خود را در اداره امور عمومی و اجتماعی اعمال کنند. اساسی‌ترین عملکرد مشارکت رای، دهی فرصت دادن برای جانشینی و انتقال مناصب و مسئولیتها در جامعه است. بنابراین مشارکت سیاسی به فعالیتهای داوطلبانه و آزادانه اعضای یک جامعه چه به صورت فردی و چه به صورت (جمعی) در امور حکومتی و سیاسی که با هدف تأثیر گذاری مستقیم یا غیر مستقیم بر تصمیمهای سیاسی کشور صورت می‌گیرند اطلاق می‌شود. این فعالیت‌ها ممکن است حمایت از سیاستهای موجود مقامات دولتی و یا ساختار نظام باشد و یا ممکن است به دنبال تغییر وضع موجود در نظر گرفته شود. مشارکت سیاسی شهروندان اهمیت خاصی برای ثبات سیاسی و پویایی جامعه دارد از این رو دست یافتن به چگونگی نگرش سیاسی شهروندان و توجه هر چه بیشتر به عوامل اجتماعی که به مشارکت سیاسی این افراد کمک می‌کند امری ضروری است. از جمله دلایل مطالعه مشارکت، انتخاباتی بررسی علل و عوامل موثر بر حضور شهروندان در پای صندوقهای رای و راههای افزایش این حضور است.

پیشینه تحقیق

رنجبردودره و همکاران(۱۴۰۲)، نقش نهاد آموزش و پرورش در جامعه پذیری سیاسی افراد پرداختند. یکی از اهداف مهم نهاد آموزش و پرورش، جامعه پذیری سیاسی است. جامعه پذیری سیاسی به معنای فرایندی است که از طریق آن، آگاهی سیاسی، نگرش، سبک تفکر و فرهنگ سیاسی از نسلی به نسل بعدی منتقل می شود. بدین جهت بررسی این مهم در زمینه آموزش و پرورش، ضروری به نظر می رسد. هدف این پژوهش، بررسی نقش نهاد آموزش و پرورش در چگونگی جامعه پذیری سیاسی است و به این منظور با روشی کیفی و از طریق اسناد و منابع کتابخانه ای سعی در گردآوری مطالب داشته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که وجود دموکراسی موفق، مستلزم آن است که شهروندان در امور سیاسی فعال بوده، از مسائل سیاسی آگاهی داشته و در این زمینه صاحب نفوذ و تاثیر باشند. دوام و بقای دموکراسی به نحوه انتقال شیوه زندگی در جامعه دموکراتیک و احساس تعهد به آن، از سوی نسل جوان بستگی دارد. جامعه پذیری سیاسی به رشد و گسترش افکار و فعالیت های مربوط به شیوه زندگی در جامعه دموکراتیک کمک می کند. شهروندی دموکراتیک، چیزی به مراتب، بیشتر از اطاعت منفعلانه است. تحقق چنین امری مستلزم این است که شهروندان دست به انتخاب، تصمیم گیری و قضاوت زده و به نقد و انتقاد بپردازند. به همین جهت، اهمیت جامعه پذیری سیاسی، امروزه موضوعات مربوط به این حوزه بسرعت در حال رشد است و مورد توجه محققان قرار دارد.

خسروی و همکاران(۱۴۰۲)، تاثیر آموزش و پرورش در توسعه فرهنگ سیاسی و جامعه پذیری افراد پرداختند. تحقیق حاضر نشان می دهد که آموزش و پرورش می تواند به عنوان یک ابزار موثر برای ترویج جامعه پذیری سیاسی و تقویت مشارکت مدنی عمل کند. همچنین، این پژوهش به بررسی تاثیر برنامه های درسی، فعالیت های کلاسی و نقش معلمان در توسعه فرهنگ سیاسی می پردازد. با توجه به داده های موجود، این مطالعه به ارائه راهکارهایی برای بهبود رویکردهای آموزشی در جهت تقویت جامعه پذیری سیاسی و توسعه سیاسی می پردازد. در نهایت، این تحقیق به ارائه دیدگاههایی برای ایجاد یک محیط آموزشی پویا و تعاملی می پردازد که می تواند به رشد نگرشهای سیاسی سازنده و مسئولیت پذیر در میان جوانان کمک کند.

زنگنه و همکاران (۱۴۰۰)، بررسی موانع جامعه پذیری سیاسی زنان فرهنگی اهواز پرداختند. جامعه آماری زنان فرهنگی شهرستان اهواز شامل ۸۷۶۳ نفر و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۶۸ نفر می باشد، که به عنوان نمونه تعیین شد و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای مورد بررسی قرار گرفته‌اند. داده‌های این پژوهش با ابزار پرسشنامه محقق ساخت جمع‌آوری شده‌اند. برای تعیین اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری و برای تعیین پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی از طریق نرم افزار SPSS ۱۸ ارائه شده است. یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین جامعه‌پذیری سیاسی زنان و متغیرهای جامعه‌پذیری جنسیتی، ترجیحات ارزشی، خودباوری سیاسی و ساختار قدرت در خانواده پدری رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی بین آنها به ترتیب ۰/۱۳۸، ۰/۴۴۰، ۰/۱۵۸ و ۰/۱۸۴- می باشد و سطح معناداری آنها نیز به ترتیب ۰/۰۵، ۰/۰۱، ۰/۰۱ و ۰/۰۱ است. بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه گرفته شد که جامعه‌پذیری جنسیتی متفاوت زنان ترجیحات ارزشی، خودباوری زنان و ساختار قدرت در خانواده پدری، از موانع جامعه‌پذیری سیاسی محسوب می‌شوند.

دارابی (۱۳۹۴) به بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت سیاسی زنان در استان همدان مطالعه موردی: شهر نهاوند پرداخته است روش تحقیق پیمایشی بوده و داده‌های این پژوهش با استفاده از پرسشنامه به دست آمده که تعداد ۴۰۰ نفر بر اساس فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که بین مشارکت سیاسی زنان و متغیرهای سرمایه اجتماعی موقعیت، طبقاتی و سبیل ارتباط، جمعی تجربه مشارکت سیاسی و اثر بخشی سیاسی رابطه معناداری وجود دارد اما بین متغیر عضویت در سازمانهای مدنی و دسترسی به شخصیت‌های سیاسی با مشارکت سیاسی زنان رابطه معنادار وجود ندارد نتایج تحلیل رگرسیونی حاکی از آن است که به ترتیب متغیرهای سرمایه اجتماعی موقعیت، طبقاتی و سبیل ارتباط، جمعی تجربه مشارکت سیاسی و اثر بخشی سیاسی در مجموع ۱۲ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی زنان را تبیین می‌کنند نمودار تحلیل مسیر نیز نشان داد که متغیر سرمایه اجتماعی نسبت به دیگر متغیرها دارای تأثیر بیشتری بر مشارکت سیاسی زنان بود. درگاهی (۱۳۹۳) به بررسی میزان تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد

ببلیل پرداخت. روش تحقیق از لحاظ ماهیت در زمره تحقیقات توصیفی و غیر آزمایشی میدانی و پیمایشی قرار داشته است. نتایج نشان داد که بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد با توجه به میانگین بدست آمده مشارکت سیاسی دانشجویان بر اساس جنسیت آنها مؤنث و مذکر طبقه اجتماعی تحصیلات والدین و درآمد خانواده متفاوت است. با توجه به میانگین بدست آمده مشارکت سیاسی دانشجویان بر اساس تأهل آنها متفاوت است و از لحاظ میزان تحصیلات والدین و رشته تحصیلی تفاوتی نیست بین سرمایه اجتماعی و بین رسانه های جمعی میزان آگاهی سیاسی مشارکت سیاسی معناداری وجود دارد.

امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان در دانشگاه اصفهان پرداخته شد. یافته ها نشان داد با تقسیم سرمایه اجتماعی به سه متغیر (اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه های اجتماعی به همراه در نظر گرفتن دو وجه از مشارکت سیاسی یعنی عوامل روان شناختی نگرشی و شیوه مشارکت رسمی یا غیر رسمی مشاهده میشود که همبستگی معناداری بین ابعاد سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان وجود دارد. موحد و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان پرداختند. با تقسیم سرمایه اجتماعی به چهار بعد، به همراه در نظر گرفتن دو وجه از مشارکت سیاسی یعنی نگرش نسبت به مشارکت و شیوه مشارکت مشاهده میشود که همبستگی معناداری میان ابعاد سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان وجود دارد با توجه به یافته‌های موجود لزوم فراهم آوردن بستر مناسب برای زنان جهت گسترش شبکه های روابط اجتماعی و تقویت پیوندهای ارتباطی مبتنی بر صمیمیت و علاقه خصوصاً در خانواده ضروری به نظر میرسد همچنین پاشازاده آذری در سال ۸۹-۱۳۸۸ تحقیقی با عنوان بررسی تاثیر عوامل اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن انجام داد. متغیرهای مستقل میزان آگاهی سیاسی دانشجویان، پایگاه اجتماعی والدین، دانشجویان میزان ارتباط دانشجویان با همسالانشان میزان فعالیت‌های دانشجویان در تشکلهای سیاسی دانشگاهی جنسیت، دانشجویان وضعیت تأهل دانشجویان رشته تحصیلی دانشجویان با مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معناداری دارند به عبارتی این فرضیات تایید و عوامل استفاده

دانشجویان از رسانه های جمعی و سن دانشجویان با مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معناداری ندارند (پاشازاده، ۱۳۸۹: ۷۳)

بر مبنای برآوردهای طرح ملی بررسی مشارکت سیاسی زنان که در ۲۸ مرکز استانی کشور توسط محسنی تبریزی و قاضی طباطبایی و مرجایی به سفارش دفتر امور بانوان وزارت کشور و با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۸۲۸۳ با هدف بررسی گستره و ابعاد مشارکت سیاسی زنان در ایران و عوامل مؤثر بر آن به اجرا درآمده است، در بحث عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان پنج بعد کلی شامل عوامل، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و ارزیابی از ویژگیهای حکومت و گروه‌های سیاسی اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است در این پژوهش همچنین به عوامل و محرکهای درونی و فردی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان پرداخته شده است. همچنین پژوهش عمده ای توسط دکتر محسنی تبریزی با عنوان بررسی رابطه مشارکت سیاسی و بیگانگی سیاسی سرپرستان زن شهر تهران صورت گرفته است که جزو طرحهای پژوهشی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران است در تحقیق کریس یانگ و دهارت (۲۰۱۶) نیز در مجموع ۴۵۵۶ دانشجو آمریکایی بلافاصله پس از انتخابات ۲۰۱۲ مورد بررسی قرار گرفتند تا فاکتورهای پیش بینی کننده روانی و رفتاری مربوط به رسانه‌های اجتماعی را در مشارکت سیاسی آنلاین مشخص بکنند. نتایج مدل معادلات ساختاری و رگرسیون چندگانه سلسله مراتبی نشان داد که سرمایه آنلاین، اجتماعی خود کارآمدی، سیاسی و مشارکت گروهی در فیس بوک جزء پیش بینی کننده‌های مثبت مشارکت سیاسی آنلاین بودند در حالی که اعتماد اجتماعی تأثیر مستقیمی بر مشارکت سیاسی آنلاین نداشت استفاده سیاسی عمومی از فیس بوک و توییتر یک پیش بینی کننده مثبت مشارکت سیاسی آنلاین بود با این حال استفاده گسترده از فیس بوک و توییتر پیش بینی کننده منفی بودند. مبانی نظری رویکرد اجتماعی یا تبیین جامعه شناختی از رویکردهای عمده در تبیین مشارکت سیاسی به شمار می رود. از مهم ترین نظریه پردازان این رویکرد میتوان به لیپست اشاره کرد. او در آثار مختلفی به بررسی عوامل تأثیر گذار مشارکت پرداخته است. لیپست معتقد است الگوهای شرکت در انتخابات در کشورهای نظیر آلمان، سودان، آمریکا، نروژ، فنلاند و برخی از کشورهای دیگر مشابه هستند. در این کشورها مردان بیشتر از زنان تحصیلکردگان بیشتر از بیسوادان شهرنشینان بیشتر از روستانشینان، متاهلین

بیشتر از، مجردین افراد دارای منزلت بالاتر بیشتر از افراد دارای منزلت پایین تر اعضای سازمانها بیشتر از غیر اعضا در فرایندهای سیاسی اجتماعی مشارکت دارند. متغیرهای مورد نظر لیست در تبیین مشارکت سیاسی را می توان در سه دسته کلی تقسیم بندی کرد (۱) موقعیت اقتصادی خانواده که متغیرهایی چون سطح درآمد شغل محل سکونت منزلت را در بر می گیرد. این متغیرها از نظر لیست به عنوان متغیرهایی پایه ای عمل میکنند که به طور غیر مستقیم از طریق برخی از متغیرهای دیگر نظیر ایدئولوژی، سیاسی عضویت حزبی و... رفتار سیاسی افراد را تحت تاثیر قرار می دهند (۲) موقعیت اجتماعی فرد که متغیرهایی چون وضعیت، تاهل مشارکت در نهادهای سیاسی اجتماعی شهری یا روستایی بودن، مهاجر یا بومی بودن سطح تحصیلات، میانسال یا جوان بودن را در بر میگیرد (۳) موقعیت سیاسی مذهبی فرد که متغیرهای این دو وجه تاثیر متقابلی بر یکدیگر دارند. متغیر هایی چون ایدئولوژی سیاسی فرد که ارتباط تنگاتنگی با میزان مذهبی بودن دارد که به نوبه خود متاثر از ویژگی سیاسی خانواده نیز هست (فاطمی امین ۱۳۸۸، ۲۰۶).

هائینگتون و نلسون مشارکت سیاسی را از عوامل اصلی توسعه سیاسی میدانند. آنان مشارکت سیاسی را تابع دو عامل نگرش و اولویت های نخبگان سیاسی و وضع گروه ها و انجمنها و نهادهای اجتماعی واسطه در خود جامعه می دانند و معتقدند که فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق دو مجرا میتواند سرانجام به گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی بیانجامد: الف) مجرای تحرک اجتماعی به این معنی که کسب منزلتای بالاتر اجتماعی به نوبه خود در فرد احساس توانایی و نگرشهای معطوف به توانایی و تأثیر نهادن بر تصمیم گیریهای دستگاههای عمومی را ایجاد می کند و این عوامل ذهنی در مجموع می تواند مشوق مشارکت در سیاست و فعالیتهای اجتماعی باشد در این حالت منزلت اجتماعی بالاتر و احساس توانایی و مؤثر بودن از نظر سیاسی به عنوان متغیرهای میانی مشوق مشارکت اجتماعی و سیاسی می شود. به نظر این دو نویسنده از میان متغیرهای منزلتی میزان سواد یا تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارد. ب) مجرای سازمانی یعنی عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه ها و سازمانهای اجتماعی (اتحادیه های شغلی و صنفی، گروه های مدافع علائق خاص و نظایر آنها) است که احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر

می‌کند این عوامل در جوامعی که فرصت‌های تحرک فردی در آنها محدودتر است، اهمیت بیشتری دارد زیرا همانطور که گفته شد فرد برای رسیدن به وضع اجتماعی و اقتصادی بهتر به عنوان آخرین راه حل به فعالیت در سازمانهای اجتماعی یا احزاب سیاسی می‌پردازد اما بطور کلی دخالت در فعالیت سازمانها در تبیین تفاوت سطح مشارکت سیاسی، از منزلت اجتماعی - اقتصادی مهمتر است (رضایی ۱۳۷۵ : ۵۴۵۶)

پری (۱۹۷۷) تبیینهای مشارکت سیاسی را به دو نوع نظریه های ابزاری و نظریه های تکاملی تقسیم می‌کند. نظریه های ابزاری، مشارکت را وسیله ای برای یک هدف یعنی برای دفاع یا پیشبرد یک فرد یا گروهی از افراد و سدی در برابر جباریت و استبداد در نظر میگیرند. بنابراین نظریه پرداز ابزار گرا استدلال میکند که افراد بهترین داور منافع خودشان هستند، حکومتی که مردم در آن مشارکت داشته باشند کارآمدتر است افرادی که از تصمیمات تأثیر میپذیرند حق دارند در گرفتن تصمیمات شرکت داشته باشند و مشروعیت و حکومت بر مشارکت استوار است بنابراین وارثان نهایی نظریه ابزاری فایده گرایان و کثرت گرایان هستند. نظریه تکاملی استدلال میکند که شهروند آرمانی یک شهروند مشارکت کننده است و بنابراین مشارکت اعمال مسئولیت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. مشارکت یک تجربه یادگیری است که شهروند را نه تنها آگاه از حقوق خود، بلکه آگاه از وظایف و مسئولیت‌هایش پرورش میدهد چنین دیدگاهی در نوشته های ارسطو جان استوارت میل دو تو کوپیل و روسویافت میشود و نیز بخش مهمی از اندیشه‌های محافظه کارانه و سوسیالیستی است اما برای محافظه کار تأکید بر فرد شهروند مسئول و بنابراین بر عمل، فردی و برای سوسیالیست تأکید بر مسئولیت جامعه در قبال فرد و بنابراین بر عمل جمعی است (راش، ۱۳۷۷):

۱۴۰-۱۳۹) یکی از راههایی که نظام به حمایت از خود و حفظ خود میپردازد از طریق جامعه پذیری سیاسی میباشد لذا هر نظام سیاسی که به دنبال بقای خود باشد؛ بایستی در میان اعضای خود انتظارات حمایتی را رشد دهد به همین لحاظ به اعتقاد آلموند فرایند جامعه پذیری سیاسی اساساً تعیین کننده ثبات فرهنگ سیاسی و ساختار جامعه در گذر زمان میباشد از نظر آلموند جامعه پذیری سیاسی هرگز واقعاً پایان نمی پذیرد و در سراسر زندگی فرد ادامه می یابد. آلموند و وربا در کتاب فرهنگهای مدنی مفهومی از فرهنگ سیاسی به دست می دهند که به معنای نظام سیاسی تعریف شده است، آن

گونه که در شناخت احساسات و ارزیابیهای مردم درونی گردیده است و به منزله الگوی نگرشها و جهت گیری های فردی نسبت به سیاست در میان اعضای یک نظام سیاسی است. در آن کتاب، با سه نوع فرهنگ سیاسی روبه رو می شویم: الف) محدود، ب) انقیادی ج) مشارکتی نقیب زاده ۱۳۷۹ فرهنگ سیاسی کوتاه بینانه با آگاهی اندک از، حکومت انتظارات اندک از حکومت و میزان مشارکت سیاسی اندک مشخص میشود. فرهنگ سیاسی ذهنی با میزان آگاهی و انتظار بالاتر اما میزان مشارکت اندک و فرهنگ مشارکتی با میزان آگاهی و انتظار و مشارکت بالا مشخص میشود آلموند و وربا جهت بررسی مشارکت سیاسی در پنج کشور ایتالیا، انگلیس، امریکا، مکزیک و آلمان از نظریه اجتماعی شدن سیاسی استفاده کردند و طی آن سه نهاد اجتماعی کننده خانواده مدرسه و شغل را از نظر میزان الگوی مشارکت بررسی کردند. استدلال آلموند و وربا در نهایت این است که هر چقدر سه نهاد اجتماعی کننده فوق الذکر، الگوی مشارکت قوی تری را نهادینه کرده باشند و فرد در درون این سه نهاد اجتماعی کننده مشارکت بیشتری داشته باشد در مراحل بعدی زندگی مشارکت سیاسی بیشتری خواهد داشت و جامعه مربوط از نظر فرهنگ سیاسی به فرهنگ مشارکتی نزدیک تر خواهد بود (عرفانی، ۱۳۸۳: ۷۶). در این نظریه بر نقش الگوی اقتدار در بیرون از نظام، سیاسی یا به عبارتی بر یادگیری سیاسی از الگوهای حاکم بر نهادهای اجتماعی - یا تجربه های سازنده برآمده از موقعیتهای نهادی و نخبگان سیاسی و تأثیر نهادها و نخبگان بر فرهنگ سیاسی مردم بسیار تأکید می شود (اینگلهارت، ۱۳۷۲؛ ۴۷۹؛ دایاموند، ۱۹۹۴: ۲۳۵) آلموند و وربا از دادههای خود نتیجه میگیرند که الگوی مشارکت در درون گروههای طبقاتی مختلف تفاوتی معنی داری دارد و کسانی که در طبقات اجتماعی بالاتر قرار دارند مشارکت بیشتری نیز دارند به نظر، آنها یکی از دلایل قابلیت سیاسی اندک کسانی که اطلاعات و آموزش مناسبی ندارند این است که از نظر طبقاتی در خانواده هایی رشد میکنند که در آنها انتظار و توقع این که هر کس با تصمیمی مخالف است میتوانند مخالفت اش را اعلام کند پرورش نمی یابد. ماکس وبر چهار نوع آرمانی تبیینهای کنش و رفتار اجتماعی و بنابراین سیاسی مانند مشارکت را مطرح کرد. دو نوع از آنها عقلانی هستند کنش عقلانی در رابطه با هدف و کنش عقلانی در رابطه با ارزش و دو نوع غیر عقلانی (اما نه نامعقول): «کنش عاطفی و کنش سنتی (۱۹۴۷) همچنین ر. ک گیدنز (۱۹۷۱) (۱۵۲-۱۵۴) رفتار عقلانی در رابطه با هدف رفتاری است که

در آن فرد کنشی احتمالی را بر حسب هزینه ها و منافع وسایل و هدفها ارزیابی میکند؛ در صورتی که رفتار عقلانی در رابطه با ارزش هدفها را مورد سؤال قرار نمیدهد بلکه هزینه ها و منافع وسایل معینی را ارزیابی می کند. رفتار اقتصادی عقلانی به حداکثر رساندن منافع و به حداقل رساندن هزینه ها برای دستیابی به یک هدف مورد نظر نمونه ای از کنش عقلانی در رابطه با هدف است. پذیرفتن یک آرمان مذهبی یا ایدئولوژیک به منزله یک هدف و جستجوی مؤثرترین وسایل دستیابی به آن، البته مشروط به هر محدودیتی که به وسیله این آرمان تحمیل میشود نمونه ای از کنش عقلانی با ارزش است. کنش عاطفی تحت سلطه عواطف و کنش سستی تحت سلطه عادت است. اگرچه تبیین نوع آرمانی و بر از کنشها و رفتار اجتماعی را می توان به دلیل ناتوانی در توضیح چگونگی تغییرات رفتاری، یعنی حرکت از یک نوع کنش به نوعی دیگر، مورد انتقاد قرار داد، آشکارا اهمیت ارزشها و برآوردن نیازهای فردی را باز می شناسد (راش، ۱۳۷۷: ۱۴۱) رسم و به طور کلی در جامعه شناسی سیاسی و بر از آنجا که زندگی انسان دستخوش نیروهای عقلانی و غیر عقلانی است و بسیاری از رفتارهای اجتماعی غیر عقلانی به شمار می روند بنابراین مبانی غیر عقلانی رفتار در زندگی سیاسی نیز نیرومندند. رفتار سیاسی یکسره رفتاری عقلایی نیست یعنی بر حسب محاسبه علایق اقتصادی و اجتماعی صورت نمیگیرد بلکه انسان به عنوان موجودی پیچیده به غیر از این علایق و علایق و زندگی غیر عقلانی عمیقی نیز دارد که طبعاً بر حوزههای گوناگون زندگی او و از جمله بر رفتارهای سیاسی مؤثر واقع می شوند سیاست و سلطه در هر یک از انواع یک از انواع سه گانه آن کنش و رفتاری گروهی است که در آن حکم و اطاعت به دلایل مختلف صورت میگیرد و بر در بررسی سه نوع مثالی سلطه یا سیاست (اقتدار سستی، اقتدار کاریزماتیک، اقتدار عقلانی) که از دیدگاه او تنها انواع سلطه و سیاست به شمار می آیند به روندهای اجتماعی و تاریخی مرتبط با هر یک توجه داشته و بدین سان از دیدگاه جامعه شناسی سیاسی به بررسی آنها پرداخته است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و روش تحقیق کیفی- کمی است. روش نمونه گیری در بخش کیفی به صورت گلوله برفی به منظور شناخت عوامل جامعه شناختی مؤثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان شهرستان

گچساران می‌باشد و در بخش کمی تصادفی ساده برای تعیین وضعیت سنجی مولفه‌های شناسایی شده انتخاب شدند. جامعه آماری این تحقیق شامل صاحب‌نظران، اساتید و متخصصان دانشگاهی و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی بوده است. در این مطالعه به هدف پژوهش، مشارکت کنندگان بالقوه در این تحقیق شامل صاحب‌نظران، اساتید و متخصصان دانشگاهی و عضو هیات علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی بوده است. یک بُعد کیفی که تحلیل‌ها، استدلال‌ها و استنتاج‌هایی است که بر نتایج به دست آمده از محاسبات آماری صورت می‌گیرد تا بتوان نتایج حاصل از مشاهدات در نمونه انتخابی را به جامعه مورد نظر تعمیم داد. در مرحله بعد با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته که مقیاس اندازه‌گیری در پژوهش حاضر از نوع مقیاس فاصله‌ای می‌باشد و از طیف لیکرت ۵ تایی استفاده خواهد شد. که در بین ۱۵ نفر از متخصصین دانشگاهی و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها توزیع شد وضعیت موجود هر یک از مولفه‌های اجتماعی، وضعیت کلی مولفه‌های اجتماعی، شکاف بین وضعیت مولفه‌های جامعه پذیری سیاسی جوانان شهرستان گچساران، اولویت‌بندی نشانگرها بر اساس وضعیت آنها و اولویت بندی خرده نشانگرها بر اساس وضعیت آنها از نقطه نظر نخبگان جامعه شناسی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نرمال یا غیر نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد بررسی، به ترتیب از آزمون t یک نمونه ای و آزمون ویلکاکسون یک نمونه ای به منظور مقایسه وضعیت موجود و مطلوب جامعه پذیری سیاسی جوانان شهرستان گچساران شده است.

یافته‌های تحقیق

در بخش کیفی پژوهش، به منظور پوشش دادن به ابعاد مختلف مسأله، تحقیق و شناسایی کلیه عوامل به منظور طراحی نهایی مدل، به بررسی ابعاد اصلی پرداخته‌ایم. در بخش کیفی پژوهش حاضر، پس از انجام مصاحبه‌های عمیقی با قیدهای؛ داشتن تخصص و تجربه کافی، آگاهی عمیق در موضوع پژوهش و وسعت نظر در ارتباط با زمینه پژوهش که دارای سوابق ارزنده علمی، تجربی یا پژوهشی بودند، به عنوان اعضای پنل خبرگان، اطلاعات گردآوری شده طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و در نهایت کدگذاری انتخابی تحلیل شده و در نهایت نتایج حاصل از پژوهش کیفی

ضمن ترکیب با نتایج حاصل از ادبیات پژوهش، در قالب بخش نخست الگوی مفهومی پژوهش جمع‌بندی گردید.

مصاحبه‌شوندگان مطابق با چارچوب پرسش‌های باز مصاحبه عمیق پژوهش، پاسخ‌هایی را ارائه دادند که در هر جلسه با توجه به تخصص و تجربه فرد پاسخگو، این پاسخ‌ها جمع‌بندی شده‌اند. بدین شکل که پاسخ‌های ارائه شده براساس نوع و محتوایشان در یکی از مقوله‌های پژوهش، دسته‌بندی شده و به عنوان ملاک ارزشیابی آن مقوله تعریف و تعیین شدند و در نهایت با توجه به محتوای پاسخ‌های ارائه شده، هر یک از مفاهیم زیرمجموعه در مقوله مرتبط با خود قرار گرفتند. قابل ذکر است در فرآیند تحقیق کیفی، براساس نمونه‌گیری انجام شده و طی مصاحبه‌های عمیق به جمع‌آوری نظرات پرداخته شده است. در این روش با استفاده از روش گلوله برفی افراد انتخاب و در نهایت بعد از رسیدن به نقطه اشباع نمونه‌گیری متوقف شده است. کدگذاری نشانگر عملیاتی است که طی آن داده‌ها خرد می‌شوند، مفهوم‌پردازی می‌شوند و آنگاه به روش‌های جدید دوباره به یکدیگر متصل می‌شوند. در این فرآیند، داده‌ها تجزیه و مفهوم‌سازی شده و در نهایت به شکل تازه‌ای در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند، فرآیند کدگذاری را به سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تقسیم کرده‌اند (ابوالمعالی، ۱۳۹۱) در یک نگاه کلی می‌توان اینگونه بیان کرد که فرآیند تحلیل از کدگذاری باز آغاز می‌شود و در حالت ایده‌آل به کدگذاری انتخابی ختم می‌شود.

کدگذاری اولیه متن بعد از خواندن مکرر و دقیق مواد آن انجام می‌شود. واحدهای معنی‌دار معرفی، توضیح و نامگذاری می‌شوند. این واحدها ممکن است، لغات، عبارات یا قطعات بزرگتر متن باشند، این طبقات به عنوان مقوله‌ها نامیده می‌شوند. بعد از طبقه‌بندی، واحدهای معنی‌دار متن به عنوان مقوله‌ها سازماندهی می‌شوند. در مرحله کدگذاری باز، کلیه مصاحبه‌های انجام شده با مدیران و متخصصان، به تفکیک پیاده‌سازی شده و تمامی جملات مرتبط با موضوعات اساسی پژوهش، به طور کامل ثبت و کدگذاری شده است. سپس محقق به تفسیر هر یک از این نکات کلیدی و کدگذاری

این نکات پرداخته است. قابل ذکر است که به منظور اطمینان از کدگذاری درست و مناسب نکات کلیدی نظرات متخصصان، پس از کدگذاری باز توسط محقق اصلی، از یک نفر محقق دیگر هم کمک گرفته شده است تا براساس نکات به کدگذاری مجدد کلیه نظرات براساس دیدگاه تخصص خود بپردازد. در نهایت، کد نهایی برای هر یک از نکات کلیدی انتخاب شده و این کدها شماره‌گذاری شده‌اند. در جدول ذیل، هر یک از مصاحبه‌ها و کدگذاری‌های باز آنها به تفکیک ارائه شده است. در جداول مربوطه در هر سطر یک نکته کلیدی مستخرج از مصاحبه ذکر شده است و برای آن یک نشانگر تعیین شده که شامل دو بخش است که بخش اول بیانگر شماره نکته کلیدی و بخش دوم نشان دهنده شماره مصاحبه است.

مفاهیم
وضعیت مالی و اقتصادی خانواده تأثیر قابل توجهی بر دسترسی جوانان به آموزش، فرصت‌های شغلی و حتی مشارکت در فعالیت‌های سیاسی دارد.
نابرابری درآمد و دارایی در جامعه می‌تواند منجر به احساس بی‌عدالتی و نارضایتی در میان جوانان شود، که این امر بر نگرش‌ها و مشارکت سیاسی آنها تأثیر می‌گذارد.
دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب و با ثبات اقتصادی برای جوانان می‌تواند تأثیر مثبتی بر حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت سیاسی آنها داشته باشد.
تحصیلات و دسترسی به آموزش کیفیت بالا، که تا حد زیادی تحت تأثیر عوامل اقتصادی است، می‌تواند بر سطح آگاهی سیاسی و مشارکت جوانان تأثیر بگذارد.
نرخ بالای بیکاری در میان جوانان می‌تواند منجر به نارضایتی اجتماعی و سیاسی شود و بر جهت‌گیری‌های سیاسی آنها تأثیر بگذارد.
جوانانی که احساس امنیت شغلی دارند، ممکن است نگرش مثبت‌تری نسبت به نظام سیاسی داشته باشند و به طور فعال‌تری در فعالیت‌های سیاسی مشارکت کنند.
سرمایه‌گذاری دولت‌ها در زیرساخت‌های اساسی مانند حمل و نقل، بهداشت، و آموزش می‌تواند به بهبود شرایط زندگی جوانان و تقویت مشارکت سیاسی آنها منجر شود.

سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها، مانند مالیات، یارانه‌ها، و برنامه‌های حمایتی، می‌توانند بر احساس عدالت و رفاه در میان جوانان تأثیر بگذارند و به طور غیرمستقیم بر مشارکت سیاسی آنها تأثیر بگذارند.
سطح توسعه اقتصادی کشور و پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژیک می‌توانند بر فرصت‌های موجود برای جوانان و در نتیجه بر نگرش‌ها و مشارکت سیاسی آنها تأثیر بگذارند.
فقر و محرومیت اقتصادی می‌توانند منجر به احساس ناامیدی و بی‌اعتمادی به نظام سیاسی شوند، که این امور می‌توانند بر میزان مشارکت سیاسی و نگرش‌های سیاسی جوانان تأثیر منفی بگذارند.
خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد برای جامعه‌پذیری است. باورها، ارزش‌ها، و نگرش‌های سیاسی والدین می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر جوانان داشته باشد.
مدارس و مؤسسات آموزشی نقش کلیدی در ارائه دانش سیاسی و تشویق به مشارکت سیاسی دارند. برنامه‌های درسی، معلمان، و فعالیت‌های آموزشی می‌توانند به شکل‌گیری هویت سیاسی جوانان کمک کنند.
گروه‌های همسالان و دوستان می‌توانند بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی جوانان تأثیر بگذارند، از طریق تبادل اطلاعات و تجربیات و همچنین فشار گروهی.
رسانه‌های جمعی (تلویزیون، روزنامه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و...) و رسانه‌های اجتماعی اطلاعات زیادی درباره مسائل سیاسی ارائه می‌دهند و می‌توانند بر دیدگاه‌ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.
دانشگاه‌ها فضایی برای بحث و تبادل نظر در مورد مسائل سیاسی فراهم می‌آورند و می‌توانند به تقویت مهارت‌های تحلیلی و انتقادی جوانان کمک کنند.
مشارکت در سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های داوطلبانه، و انجمن‌های محلی می‌تواند به جوانان فرصت‌هایی برای تجربه مشارکت سیاسی و اجتماعی مستقیم بدهد.
فعالیت‌ها و برنامه‌های سازمان‌ها و احزاب سیاسی می‌توانند جوانان را به سمت مشارکت سیاسی سوق دهند و بر نگرش‌های آنها تأثیر بگذارند.
جنبش‌های دانشجویی، اعتراضات اجتماعی و تحولات سیاسی کلان می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری هویت و مشارکت سیاسی جوانان داشته باشند.
عوامل محیط زیستی (تغییرات آب و هوایی، مدیریت پسماند، بحران آب، آلودگی هوا، آتش سوزی جنگل‌ها و ...) به طور فزاینده‌ای در جامعه‌پذیری

سیاسی افراد، به ویژه جوانان، نقش دارند. این عوامل نه تنها بر سلامت و کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارند بلکه می‌توانند بر دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، و مشارکت سیاسی و اجتماعی نیز اثر بگذارند.
فرهنگ عمومی و ارزش‌های حاکم بر جامعه بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی افراد، از جمله جوانان، تأثیر می‌گذارد.
تجربیات مشترک ناشی از رویدادهای بزرگ سیاسی یا اجتماعی، مانند انتخابات، تظاهرات، یا بحران‌های اقتصادی، می‌توانند بر هویت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.
دسترسی به فرصت‌های مشارکت سیاسی، مانند رأی دادن، شرکت در کمپین‌های سیاسی، یا حضور در مناظرات، برای تشویق جوانان به فعالیت سیاسی ضروری است.
قوانین و سیاست‌هایی که به جوانان اجازه می‌دهند در فرآیندهای تصمیم‌گیری شرکت کنند، مانند حق رأی در سن پایین‌تر، می‌توانند بر مشارکت سیاسی آنها تأثیر بگذارند.
آگاهی سیاسی به معنای دانش و درک افراد از ساختارها، فرآیندها، و مسائل سیاسی است و نقش کلیدی در جامعه‌پذیری سیاسی دارد.
ارزش‌ها و باورهایی که در خانواده ترویج می‌شوند، می‌توانند بر دیدگاه‌ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.
محتوای آموزشی، روش‌های تدریس و فرهنگ مدرسه می‌توانند بر نحوه درک مسائل سیاسی و اجتماعی توسط جوانان تأثیر بگذارند.
آثار ادبی و هنری که جوانان با آنها در تماس هستند، می‌توانند به عنوان ابزاری برای برانگیختن تفکر انتقادی و آگاهی سیاسی عمل کنند.
آموزه‌ها و ارزش‌های دینی می‌توانند بر اولویت‌ها و دیدگاه‌های سیاسی جوانان تأثیر قابل توجهی داشته باشند.
سنت‌ها و آیین‌های فرهنگی می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری هویت سیاسی و اجتماعی جوانان داشته باشند.
فرهنگ‌های حاکم بر محیط‌های کاری و سازمانی می‌توانند بر دیدگاه‌های سیاسی جوانان کارمند یا دانشجو تأثیر بگذارند.
احساس تعلق به یک ملت یا قومیت خاص می‌تواند بر اولویت‌ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارد.

دسترسی به فناوری و استفاده از آن در ارتباطات و دسترسی به اطلاعات می‌تواند بر نحوه مشارکت سیاسی و اجتماعی جوانان تأثیر بگذارد.

مشارکت در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی می‌تواند تجربیات معناداری برای جوانان فراهم آورده و به شکل‌گیری دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی آنها کمک کند.

در واقع کدگذاری محوری (سطح دوم کدگذاری) نامی است که به عملیات ثانوی در تحلیل مضمون می‌شود که در آن مقولات اصلی کدگذاری باز داده‌ها تکوین یافته‌اند و با یکدیگر مرتبط شده‌اند. اصطلاح کدگذاری محوری با هدف مرتبط کردن مقوله‌هایی که در کدگذاری باز تعریف شده‌اند، مورد استفاده قرار گرفت. اگر در کدگذاری باز داده‌ها را بشکنیم و از هم جدا کنیم، یا به منظور نمایش داده‌ها و مقوله‌های نظری داده‌ها را باز کنیم، کدگذاری محوری دوباره مقوله‌های قبلی را با روش‌های متفاوت مفهومی در کنار هم قرار می‌دهد. بنابراین در کدگذاری محوری بین مقوله‌های اساسی که در کدگذاری باز گسترش یافته‌اند، ارتباطات درونی برقرار می‌شود (ابوالمعالی، ۱۳۹۱) در این مرحله کلیه کدهای باز مستخرج از مرحله اول، براساس ارتباط با مفاهیم اصلی پژوهش در قالب محورهای اصلی جمع‌بندی شده‌اند. خروجی این مرحله، کدهای محوری، کدهای متناظر با آنها و تعداد تکرار آنها می‌باشد. در جداول مربوطه در هر ردیف یک مفهوم درج شده است که در واقع ترکیبی از چند کد است. در ستون بعدی کدهای متناظر با آن مفهوم و میزان تکرار آنها در مصاحبه‌های مختلف ذکر شده است.

مفهوم	مقوله
وضعیت مالی و اقتصادی خانواده تأثیر قابل توجهی بر دسترسی جوانان به آموزش، فرصت‌های شغلی و حتی مشارکت در فعالیت‌های سیاسی دارد.	وضعیت اقتصادی خانواده
نابرابری درآمد و دارایی در جامعه می‌تواند منجر به احساس بی‌عدالتی و نارضایتی در میان جوانان شود، که این امر بر نگرش‌ها و مشارکت سیاسی آنها تأثیر می‌گذارد.	نابرابری اقتصادی
دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب و با ثبات اقتصادی برای جوانان می‌تواند تأثیر مثبتی بر حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت سیاسی آنها داشته باشد.	فرصت‌های شغلی

سطح تحصیلات	تحصیلات و دسترسی به آموزش کیفیت بالا، که تا حد زیادی تحت تأثیر عوامل اقتصادی است، می تواند بر سطح آگاهی سیاسی و مشارکت جوانان تأثیر بگذارد.
بیکاری	نرخ بالای بیکاری در میان جوانان می تواند منجر به نارضایتی اجتماعی و سیاسی شود و بر جهت گیری های سیاسی آنها تأثیر بگذارد.
امنیت شغلی	جوانانی که احساس امنیت شغلی دارند، ممکن است نگرش مثبت تری نسبت به نظام سیاسی داشته باشند و به طور فعال تری در فعالیت های سیاسی مشارکت کنند.
بودجه بندی عمومی و سرمایه گذاری در زیرساخت ها	سرمایه گذاری دولت ها در زیرساخت های اساسی مانند حمل و نقل، بهداشت، و آموزش می تواند به بهبود شرایط زندگی جوانان و تقویت مشارکت سیاسی آنها منجر شود.
سیاست های اقتصادی دولت	سیاست های اقتصادی دولت ها، مانند مالیات، یارانه ها، و برنامه های حمایتی، می توانند بر احساس عدالت و رفاه در میان جوانان تأثیر بگذارند و به طور غیرمستقیم بر مشارکت سیاسی آنها تأثیر بگذارند.
توسعه اقتصادی	سطح توسعه اقتصادی کشور و پیشرفت های صنعتی و تکنولوژیک می تواند بر فرصت های موجود برای جوانان و در نتیجه بر نگرش ها و مشارکت سیاسی آنها تأثیر بگذارد.
فقر و محرومیت اقتصادی	فقر و محرومیت اقتصادی می تواند منجر به احساس ناامیدی و بی اعتمادی به نظام سیاسی شوند، که این امور می توانند بر میزان مشارکت سیاسی و نگرش های سیاسی جوانان تأثیر منفی بگذارند.
خانواده	خانواده اولین و مهم ترین نهاد برای جامعه پذیری است. باورها، ارزش ها، و نگرش های سیاسی والدین می تواند تأثیر قابل توجهی بر جوانان داشته باشد.
آموزش و مدارس	مدارس و مؤسسات آموزشی نقش کلیدی در ارائه دانش سیاسی و تشویق به مشارکت سیاسی دارند. برنامه های درسی، معلمان، و فعالیت های آموزشی می توانند به شکل گیری هویت سیاسی جوانان کمک کنند.
دوستان و همسالان	گروه های همسالان و دوستان می توانند بر نگرش ها و رفتارهای سیاسی جوانان تأثیر بگذارند، از طریق تبادل اطلاعات و تجربیات و همچنین فشار گروهی.
رسانه ها	رسانه های جمعی (تلویزیون، روزنامه ها، شبکه های اجتماعی و...) و رسانه های اجتماعی اطلاعات زیادی درباره مسائل سیاسی ارائه می دهند و می توانند بر دیدگاه ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.
دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی	دانشگاه ها فضایی برای بحث و تبادل نظر در مورد مسائل سیاسی فراهم می آورند و می توانند به تقویت مهارت های تحلیلی و انتقادی جوانان کمک کنند.
سازمان های مدنی و گروه های داوطلبانه	مشارکت در سازمان های غیردولتی، گروه های داوطلبانه، و انجمن های محلی می تواند به جوانان فرصت هایی برای تجربه مشارکت سیاسی و اجتماعی مستقیم بدهد.
سازمان ها و احزاب سیاسی	فعالیت ها و برنامه های سازمان ها و احزاب سیاسی می توانند جوانان را به سمت مشارکت سیاسی سوق دهند و بر نگرش های آنها تأثیر بگذارند.

جنبش‌ها و تحولات سیاسی	جنبش‌های دانشجویی، اعتراضات اجتماعی و تحولات سیاسی کلان می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری هویت و مشارکت سیاسی جوانان داشته باشند.
محیط زیست	عوامل محیط زیستی (تغییرات آب و هوایی، مدیریت پسماند، بحران آب، آلودگی هوا، آتش‌سوزی جنگل‌ها و ...) به طور فزاینده‌ای در جامعه‌پذیری سیاسی افراد، به ویژه جوانان، نقش دارند. این عوامل نه تنها بر سلامت و کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارند بلکه می‌توانند بر دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، و مشارکت سیاسی و اجتماعی نیز اثر بگذارند.
فرهنگ و ارزش‌های جامعه	فرهنگ عمومی و ارزش‌های حاکم بر جامعه بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی افراد، از جمله جوانان، تأثیر می‌گذارد.
رویدادهای مهم اجتماعی و سیاسی	تجربیات مشترک ناشی از رویدادهای بزرگ سیاسی یا اجتماعی، مانند انتخابات، تظاهرات، یا بحران‌های اقتصادی، می‌تواند بر هویت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.
فرصت‌های مشارکت سیاسی	دسترسی به فرصت‌های مشارکت سیاسی، مانند رأی دادن، شرکت در کمپین‌های سیاسی، یا حضور در مناظرات، برای تشویق جوانان به فعالیت سیاسی ضروری است.
قوانین و سیاست‌های دولتی	قوانین و سیاست‌هایی که به جوانان اجازه می‌دهند در فرآیندهای تصمیم‌گیری شرکت کنند، مانند حق رأی در سن پایین‌تر، می‌تواند بر مشارکت سیاسی آنها تأثیر بگذارند.
آگاهی سیاسی	آگاهی سیاسی به معنای دانش و درک افراد از ساختارها، فرآیندها، و مسائل سیاسی است و نقش کلیدی در جامعه‌پذیری سیاسی دارد.
ارزش‌های خانوادگی	ارزش‌ها و باورهایی که در خانواده ترویج می‌شوند، می‌تواند بر دیدگاه‌ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.
سیستم آموزشی	محتوای آموزشی، روش‌های تدریس و فرهنگ مدرسه می‌تواند بر نحوه درک مسائل سیاسی و اجتماعی توسط جوانان تأثیر بگذارند.
ادبیات و هنر	آثار ادبی و هنری که جوانان با آنها در تماس هستند، می‌تواند به عنوان ابزاری برای برانگیختن تفکر انتقادی و آگاهی سیاسی عمل کند.
دین و مذهب	آموزه‌ها و ارزش‌های دینی می‌تواند بر اولویت‌ها و دیدگاه‌های سیاسی جوانان تأثیر قابل توجهی داشته باشند.
سنت‌ها و آیین‌ها	سنت‌ها و آیین‌های فرهنگی می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری هویت سیاسی و اجتماعی جوانان داشته باشند.
فرهنگ سازمانی و محیط کار	فرهنگ‌های حاکم بر محیط‌های کاری و سازمانی می‌تواند بر دیدگاه‌های سیاسی جوانان کارمند یا دانشجو تأثیر بگذارند.
ارزش‌های ملی و هویت قومی	احساس تعلق به یک ملت یا قومیت خاص می‌تواند بر اولویت‌ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارد.
فناوری و تکنولوژی	دسترسی به فناوری و استفاده از آن در ارتباطات و دسترسی به اطلاعات می‌تواند بر نحوه مشارکت سیاسی و اجتماعی جوانان تأثیر بگذارد.
جنبش‌های اجتماعی و سیاسی	مشارکت در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی می‌تواند تجربیات معناداری برای جوانان فراهم آورده و به شکل‌گیری دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی آنها کمک کند.

سومین عملیات در تحلیل کدگذاری، کدگذاری انتخابی است. اصطلاح «انتخابی» به این علت برای این مرحله بکار می‌رود که تحلیلگر به وضوح یک جنبه مرکزی از داده‌ها را به عنوان: مقوله هسته‌ای، انتخاب می‌کند و روی آن متمرکز می‌شود. بنابراین در کدگذاری انتخابی، همان تکنیک‌هایی را که در کدگذاری محوری و باز به کار می‌بریم، استفاده می‌کنیم (اما در سطح بالاتری از انتزاع). این تمرکز حالا روی یافتن یک مفهوم بالاتر است، یک مقوله مفهومی مرکزی که در سطح دوم انتزاع قرار دارد (ابوالمعالی، ۱۳۹۱: ۴۱۰) با توجه به توضیحات فوق در این مرحله کدهای محوری مرحله قبل گروه‌بندی شد و جدول نهایی متغیرها و شاخص‌های مرتبط به هریک از آنها از دید متخصصان تهیه گردید.

نوع مقوله	مقوله	مفاهیم
عوامل اقتصادی	وضعیت اقتصادی خانواده	وضعیت مالی و اقتصادی خانواده تأثیر قابل توجهی بر دسترسی جوانان به آموزش، فرصت‌های شغلی و حتی مشارکت در فعالیت‌های سیاسی دارد.
	نابرابری اقتصادی	نابرابری درآمد و دارایی در جامعه می‌تواند منجر به احساس بی‌عدالتی و ناراضایتی در میان جوانان شود، که این امر بر نگرش‌ها و مشارکت سیاسی آنها تأثیر می‌گذارد.
	فرصت‌های شغلی	دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب و با ثبات اقتصادی برای جوانان می‌تواند تأثیر مثبتی بر حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت سیاسی آنها داشته باشد.
	سطح تحصیلات	تحصیلات و دسترسی به آموزش کیفیت بالا، که تا حد زیادی تحت تأثیر عوامل اقتصادی است، می‌تواند بر سطح آگاهی سیاسی و مشارکت جوانان تأثیر بگذارد.
	بیکاری	نرخ بالای بیکاری در میان جوانان می‌تواند منجر به ناراضایتی اجتماعی و سیاسی شود و بر جهت‌گیری‌های سیاسی آنها تأثیر بگذارد.
	امنیت شغلی	جوانانی که احساس امنیت شغلی دارند، ممکن است نگرش مثبت‌تری نسبت به نظام سیاسی داشته باشند و به طور فعال‌تری در فعالیت‌های سیاسی مشارکت کنند.
	بودجه‌بندی عمومی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها	سرمایه‌گذاری دولت‌ها در زیرساخت‌های اساسی مانند حمل و نقل، بهداشت، و آموزش می‌تواند به بهبود شرایط زندگی جوانان و تقویت مشارکت سیاسی آنها منجر شود.
	سیاست‌های اقتصادی دولت	سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها، مانند مالیات، یارانه‌ها، و برنامه‌های حمایتی، می‌توانند بر احساس عدالت و رفاه در میان جوانان تأثیر بگذارند و به طور غیرمستقیم بر مشارکت سیاسی آنها تأثیر بگذارند.
	توسعه اقتصادی	سطح توسعه اقتصادی کشور و پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژیک می‌تواند بر فرصت‌های موجود برای جوانان و در نتیجه بر نگرش‌ها و مشارکت سیاسی آنها تأثیر بگذارد.

فقر و محرومیت اقتصادی	فقر و محرومیت اقتصادی می‌توانند منجر به احساس ناامیدی و بی‌اعتمادی به نظام سیاسی شوند، که این امور می‌توانند بر میزان مشارکت سیاسی و نگرش‌های سیاسی جوانان تأثیر منفی بگذارند.
خانواده	خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد برای جامعه‌پذیری است. باورها، ارزش‌ها، و نگرش‌های سیاسی ولدین می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر جوانان داشته باشد.
آموزش و مدارس	مدارس و مؤسسات آموزشی نقش کلیدی در ارائه دانش سیاسی و تشویق به مشارکت سیاسی دارند. برنامه‌های درسی، معلمان، و فعالیت‌های آموزشی می‌توانند به شکل‌گیری هویت سیاسی جوانان کمک کنند.
دوستان و همسالان	گروه‌های همسالان و دوستان می‌توانند بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی جوانان تأثیر بگذارند، از طریق تبادل اطلاعات و تجربیات و همچنین فشار گروهی.
رسانه‌ها	رسانه‌های جمعی (تلویزیون، روزنامه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و...) و رسانه‌های اجتماعی اطلاعات زیادی درباره مسائل سیاسی ارائه می‌دهند و می‌توانند بر دیدگاه‌ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.
دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی	دانشگاه‌ها فضایی برای بحث و تبادل نظر در مورد مسائل سیاسی فراهم می‌آورند و می‌توانند به تقویت مهارت‌های تحلیلی و انتقادی جوانان کمک کنند.
سازمان‌های مدنی و گروه‌های داوطلبانه	مشارکت در سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های داوطلبانه، و انجمن‌های محلی می‌تواند به جوانان فرصت‌هایی برای تجربه مشارکت سیاسی و اجتماعی مستقیم بدهد.
سازمان‌ها و احزاب سیاسی	فعالیت‌ها و برنامه‌های سازمان‌ها و احزاب سیاسی می‌توانند جوانان را به سمت مشارکت سیاسی سوق دهند و بر نگرش‌های آنها تأثیر بگذارند.
جنبش‌ها و تحولات سیاسی	جنبش‌های دانشجویی، اعتراضات اجتماعی و تحولات سیاسی کلان می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری هویت و مشارکت سیاسی جوانان داشته باشند.
محیط زیست	عوامل محیط زیستی (تغییرات آب و هوایی، مدیریت پسماند، بحران آب، آلودگی هوا، آتش‌سوزی جنگل‌ها و ...) به طور فزاینده‌ای در جامعه‌پذیری سیاسی افراد، به ویژه جوانان، نقش دارند. این عوامل نه تنها بر سلامت و کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارند بلکه می‌توانند بر دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، و مشارکت سیاسی و اجتماعی نیز اثر بگذارند.
فرهنگ و ارزش‌های جامعه	فرهنگ عمومی و ارزش‌های حاکم بر جامعه بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی افراد، از جمله جوانان، تأثیر می‌گذارد.
رویدادهای مهم اجتماعی و سیاسی	تجربیات مشترک ناشی از رویدادهای بزرگ سیاسی یا اجتماعی، مانند انتخابات، تظاهرات، یا بحران‌های اقتصادی، می‌توانند بر هویت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.
فرصت‌های مشارکت سیاسی	دسترسی به فرصت‌های مشارکت سیاسی، مانند رأی دادن، شرکت در کمپین‌های سیاسی، یا حضور در مناظرات، برای تشویق جوانان به فعالیت سیاسی ضروری است.
قوانین و سیاست‌های دولتی	قوانین و سیاست‌هایی که به جوانان اجازه می‌دهند در فرآیندهای تصمیم‌گیری شرکت کنند، مانند حق رأی در سن پایین‌تر، می‌توانند بر مشارکت سیاسی آنها تأثیر بگذارند.

آگاهی سیاسی	آگاهی سیاسی به معنای دانش و درک افراد از ساختارها، فرآیندها، و مسائل سیاسی است و نقش کلیدی در جامعه‌پذیری سیاسی دارد.
ارزش‌های خانوادگی	ارزش‌ها و باورهایی که در خانواده ترویج می‌شوند، می‌توانند بر دیدگاه‌ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.
سیستم آموزشی	محتوای آموزشی، روش‌های تدریس و فرهنگ مدرسه می‌توانند بر نحوه درک مسائل سیاسی و اجتماعی توسط جوانان تأثیر بگذارند.
ادبیات و هنر	آثار ادبی و هنری که جوانان با آنها در تماس هستند، می‌توانند به عنوان ابزاری برای برانگیختن تفکر انتقادی و آگاهی سیاسی عمل کنند.
دین و مذهب	آموزه‌ها و ارزش‌های دینی می‌توانند بر اولویت‌ها و دیدگاه‌های سیاسی جوانان تأثیر قابل توجهی داشته باشند.
سنت‌ها و آیین‌ها	سنت‌ها و آیین‌های فرهنگی می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری هویت سیاسی و اجتماعی جوانان داشته باشند.
فرهنگ سازمانی و محیط کار	فرهنگ‌های حاکم بر محیط‌های کاری و سازمانی می‌توانند بر دیدگاه‌های سیاسی جوانان کارمند یا دانشجو تأثیر بگذارند.
ارزش‌های ملی و هویت قومی	احساس تعلق به یک ملت یا قومیت خاص می‌تواند بر اولویت‌ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارد.
فناوری و تکنولوژی	دسترسی به فناوری و استفاده از آن در ارتباطات و دسترسی به اطلاعات می‌تواند بر نحوه مشارکت سیاسی و اجتماعی جوانان تأثیر بگذارد.
جنبش‌های اجتماعی و سیاسی	مشارکت در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی می‌تواند تجربیات معناداری برای جوانان فراهم آورده و به شکل‌گیری دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی آنها کمک کند.

شناسایی و ارزیابی عوامل جامعه‌شناختی موثر در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان شهرستان گچساران

اولویت بندی عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی

جوانان

پس از استخراج و شناسایی عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان شهرستان گچساران در این مرحله، نخست، شاخص‌های عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت جداگانه بر اساس میزان تاثیر با استفاده از آزمون فریدمن اولویت بندی می‌شوند و سپس شاخص‌های جامعه شناختی موثر در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان شهرستان گچساران به صورت کلی اولویت بندی شده است. در انتها اولویت سه عامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت کلی بررسی شده و در نهایت وضعیت موجود این شاخص‌ها در بین جوانان شهرستان گچساران مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج آزمون فریدمن جهت بررسی وضعیت موجود شاخص های عوامل اقتصادی موثر در جامعه پذیری سیاسی در بین جوانان شهرستان گچساران در جدول زیر ارائه شده است. آزمون فریدمن نشان می دهد میانگین تاثیر گذاری شاخص های عوامل اقتصادی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان یکسان نیست ($P < 0.001$). همچنین در بین شاخص های عوامل اقتصادی شاخص نابرابری اقتصادی بیشترین و شاخص وضعیت اقتصادی خانواده کمترین تاثیر را بر جامعه پذیری سیاسی جوانان داشته اند.

جدول ۱- بررسی وضعیت موجود شاخص های عوامل اقتصادی موثر در جامعه پذیری سیاسی در بین جوانان شهرستان گچساران

نماد	میانگین رتبه	رتبه	آماره کای دو	P مقدار
عوامل وضعیت اقتصادی خانوادگی	۴.۹۲	۱۰	۳۲.۹۵	۰.۰۰۱ <
نابرابری اقتصادی	۵.۹۲	۱		
فرصت های شغلی	۵.۷۹	۳		
سطح تحصیلات	۵.۸۵	۲		
بیکاری	۵.۷۱	۴		
امنیت شغلی	۵.۴۲	۶		
بودجه بندی عمومی و				
سرمایه گذار	۵.۱۵	۹		
ی در زیرساخت ها				

			سیاست‌های
۸	۵.۲۸	q8	اقتصادی
			دولت
۷	۵.۴۰	q9	توسعه
			اقتصادی
			فقر و
۵	۵.۵۵	q10	محرومیت
			اقتصادی

نتایج آزمون فریدمن جهت اولویت بندی شاخص های عوامل اجتماعی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان در جدول یر ارائه شده است. آزمون فریدمن نشان می‌دهد میانگین تاثیر گذاری شاخص های عوامل اجتماعی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان یکسان نیست ($P < 0.001$). همچنین در بین شاخص های عوامل اجتماعی شاخص رویدادهای مهم اجتماعی و سیاسی بیشترین و شاخص فرصت‌های مشارکت سیاسی کمترین تاثیر را بر جامعه پذیری سیاسی جوانان داشته اند.

جدول ۲- اولویت بندی شاخص های عوامل اجتماعی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان

نماد	میانگین رتبه	رتبه	آماره کای دو	P مقدار
عوامل اجتماعی				
خانواده	۷.۳۰	۹	۵۶.۸۵۳	<0.001
آموزش و مدارس	۷.۸۵	۴		
دوستان و همسالان	۷.۵۴	۸		
رسانه‌ها	۷.۷۷	۶		
دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی	۷.۵۶	۷		

۳	۷.۸۶	سازمان‌های مدنی و گروه‌های داوطلبانه	q16
۱۰	۷.۲۵	سازمان‌ها و احزاب سیاسی	q17
۲	۷.۹۴	جنبش‌ها و تحولات سیاسی	q18
۱۱	۷.۲۴	محیط زیست	q19
۵	۷.۸۰	فرهنگ و ارزش‌های جامعه	q20
۱	۸.۴۴	رویدادهای مهم اجتماعی و سیاسی	q21
۱۴	۶.۷۳	فرصت‌های مشارکت سیاسی	q22
۱۲	۶.۸۸	قوانین و سیاست‌های دولتی	q23
۱۳	۶.۸۳	آگاهی سیاسی	q24

نتایج آزمون فریدمن جهت اولویت بندی شاخصهای عوامل فرهنگی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان در جدول زیر ارائه شده است. آزمون فریدمن نشان می‌دهد میانگین تاثیر گذاری شاخص های عوامل فرهنگی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان یکسان نیست ($P=0.007$). همچنین در بین

شاخص های عوامل فرهنگی شاخص سیستم آموزشی بیشترین و شاخص سنت ها و آیین ها کمترین تاثیر را بر جامعه پذیری سیاسی جوانان داشته اند.

جدول ۳- اولویت بندی شاخص های عوامل فرهنگی موثر در جامعه

پذیری سیاسی جوانان

نماد	میلنگین رتبه	رتبه	آماره کای دو	P مقدار	عوامل فرهنگی
q25	۴.۶۳	۸	۲۱.۱۴۰	۰.۰۰۷	ارزش های خانوادگی
q26	۵.۲۶	۱			سیستم آموزشی
q27	۵.۱۸	۲			ادبیات و هنر
q28	۴.۹۲	۷			دین و مذهب
q29	۴.۵۹	۹			سنت ها و آیین ها
q30	۵.۱۷	۳			فرهنگ سازمانی و محیط کار
q31	۵.۱۲	۴			ارزش های ملی و هویت قومی
q32	۵.۰۶	۶			فناوری و تکنولوژی
q33	۵.۰۶	۵			جنبش های اجتماعی و سیاسی

نتایج آزمون فریدمن جهت اولویت بندی شاخص های عوامل جامعه پذیری موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان در جدول زیر ارائه شده است. آزمون

فریدمن نشان می‌دهد میانگین تاثیر گذاری شاخص های عوامل جامعه پذیری موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان یکسان نیست ($P < 0.001$). همچنین در بین شاخص های عوامل جامعه پذیری شاخص رویدادهای مهم اجتماعی و سیاسی مربوط به عامل اجتماعی بیشترین و شاخص فرصت های مشارکت سیاسی مربوط به عامل اجتماعی کمترین تاثیر را بر جامعه پذیری سیاسی جوانان داشته اند.

جدول ۴- اولویت بندی شاخص های عوامل جامعه پذیری موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان

نماد	میانگین رتبه	رتبه	آماره کای دو	P مقدار
q1	۱۵.۰۴	۳۲	۱۱۴.۱۴	۰.۰۰۱
q2	۱۸.۲۹	۳	۵	<
q3	۱۷.۸۳	۸		
q4	۱۸.۰۷	۶		
q5	۱۷.۶۲	۱۲		
q6	۱۶.۷۵	۲۱		
q7	۱۵.۶۸	۲۹		
q8	۱۶.۱۹	۲۵		

۲۲	۱۶.۶	q9	توسعه اقتصادی	عوامل اجتماعی
۱۸	۱۷.۰۳	q10	فقر و محرومیت اقتصادی	
۲۴	۱۶.۲۵	q11	خانواده	
۱۳	۱۷.۵۸	q12	آموزش و مدارس	
۱۹	۱۶.۹۲	q13	دوستان و همسالان	
۱۶	۱۷.۳	q14	رسانه‌ها و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی سازمان‌های	
۲۰	۱۶.۸۹	q15	مدنی و گروه‌های داوطلبانه سازمان‌ها و احزاب سیاسی جنبش‌ها و تحولات سیاسی محیط زیست و فرهنگ و ارزش‌های جامعه	
۱۴	۱۷.۵۳	q16	مدرسه‌ها و گروه‌های داوطلبانه	
۲۳	۱۶.۲۸	q17	احزاب سیاسی	
۱۰	۱۷.۶۹	q18	جنبش‌ها و تحولات سیاسی	
۲۷	۱۶.۱۳	q19	محیط زیست و فرهنگ و ارزش‌های جامعه	
۱۵	۱۷.۵۳	q20	ارزش‌های جامعه	

			رویدادهای	
۱	۱۸.۹۱	q2 1	مهم اجتماعی و سیاسی	
			فرصت‌های	
۳۳	۱۴.۸۷	q2 2	مشارکت سیاسی	
			قوانین و	
۳۰	۱۵.۳	q2 3	سیاست‌های دولتی	
			آگاهی	
۳۱	۱۵.۲۱	q2 4	سیاسی	
			ارزش‌های	عوامل
۲۶	۱۶.۱۴	q2 5	خانوادگی	فرهنگی
			سیستم	
۲	۱۸.۳۶	q2 6	آموزشی	
			ادبیات و هنر	
۴	۱۸.۱۸	q2 7		
۱۷	۱۷.۲	q2 8	دین و مذهب	
			سنت‌ها و	
۲۸	۱۶.۰۲	q2 9	آیین‌ها فرهنگ	
			سازمانی و	
۵	۱۸.۱۲	q3 0	محیط کار ارزش‌های	
			ملی و هویت قومی	
۷	۱۸.۰۲	q3 1		
			فناوری و	
۱۱	۱۷.۶۵	q3 2	تکنولوژی جنبش‌های	
			اجتماعی و	
۹	۱۷.۸۱	q3 3	سیاسی	

نتایج آزمون فریدمن جهت اولویت بندی عوامل جامعه پذیری موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان در جدول زیر ارائه شده است. آزمون فریدمن نشان می‌دهد میانگین تاثیر گذاری عوامل جامعه پذیری موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان یکسان است ($P=0.327$). و به عبارت دیگر تفاوت معنی داری بین عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت کلی در تاثیر گذاری بر جامعه پذیری سیاسی جوانان شهرستان گچساران مشاهده نشد.

جدول ۵- اولویت بندی عوامل جامعه پذیری موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان

میانگین رتبه	آماره کای دو	P مقدار
عوامل اقتصادی	۲.۲۳۸	۰.۳۲۷
عوامل اجتماعی	۱.۹۷	
عوامل فرهنگی	۲.۰۸	

نتیجه گیری

مشارکت مفهومی است چند بعدی و پیچیده که هر جامعه ای نسبت به قوام خود از سطوح مختلفی از آن در ابعاد مختلف برخوردار است. بر همین اساس جوامع مختلف به دنبال ایجاد و افزایش مشارکت شهروندان در عرصه های گوناگون اجتماعی هستند تا بدین طریق همبستگی اجتماعی و پیوندهای اجتماعی شان را محکم و از فروپاشی اجتماعی جلوگیری کنند. با توجه به اینکه انسانها به خودی خود پتانسیل مشارکت را با هدف دستیابی به خئاسته‌های، فردی، جمعی دستیابی به عدل همبستگی، امنیت کنترل محیط خود و ... دارا هستند احساس تعلق و درگیر شدن در ساخت و ساز امور جامعه یک هویت جمعی را در جامعه شکل میدهد که به عنوان عامل انگیزش اصلی برای مشارکت است احساس تعلق افراد به اجتماعشان بیشتر در جوامعی مدنظر است که همبستگی ارگانیکی در آنها کمتر است و در نتیجه نیاز به جوشش احساسات عاطفی و واکنشهای هویت جمعی برای پیشبرد برنامه ریزیها در ابعاد مختلف آن وجود دارد. مشارکت سیاسی یکی از مباحث مهم در جامعه شناسی سیاسی است و یکی از شاخه های توسعه سیاسی در کشورها به شمار می رود مشارکت سیاسی هر عمل ارادی داوطلبانه موفق یا نانوفق سازمان یافته یا غیر سازمان یافته گاهی یا مستمر شامل به کارگیری مشروع و یا نامشروع که هدفش تاثیر بر انتخاب سیاستها و خط مشی های کلی کشور، اداره ی امور مملکت و انتخاب رهبران سیاسی در هر حکومت خواه محلی یا ملی است. امروزه بحث توسعه و روند حرکت به سمت ارتقای کمی و کیفی شاخصه های پیشرفت و توسعه از جمله عوامل بسیار مهمی است که تمام تلاش تصمیم گیرندگان و سردمداران کشورها بخصوص جهان سوم را به خود مشغول داشته است. پیشنهادی کاربردی؛ آموزش سیاسی: ارتقاء برنامه‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها به منظور افزایش آگاهی سیاسی جوانان و ارائه محتوای مناسب در این زمینه. ترویج مشارکت سیاسی: ایجاد فضاها و فرصتهایی برای مشارکت سیاسی جوانان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با جوامع خود و ترویج ارتقاء صداوسیما آنان در فرآیندهای سیاسی. استفاده از رسانه‌ها و فضای مجازی: استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری برای افزایش آگاهی سیاسی و ترویج مشارکت سیاسی جوانان.

استناد:

حسنی، سامان، درستی، امیر علی، شهریاری، موسی. شناسایی و ارزیابی عوامل جامعه‌شناختی موثر در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان شهرستان گچساران. فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران 1404،

<http://doi.org/10.30510/pssci.2025.498953.1206>

منابع

- ۱) آذرگون زهره (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی مرتبط با مشارکت سیاسی جوانان مطالعه موردی شهر ساری فصلنامه علوم اجتماعی سال چهارم شماره هجدهم، صص ۱۴۹-۱۶۹
- ۲) اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۲) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی ترجمه مریم و تر. تهران: انتشارات کویر
- ۳) بشیریه حسین (۱۳۸۸)، «جامعه‌شناسی سیاسی نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران چاپ هفدهم
- ۴) پاشازاده آذری فاطمه (۱۳۸۹)، «بررسی تاثیر عوامل اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ فصلنامه پژوهش، اجتماعی سال سوم، شماره هفتم
- ۵) پناهی، محمد حسین (۱۳۸۴) تاثیر وسایل ارتباط جمعی بر مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی شماره ۲۸-۲۹ زمستان ۱۳۸۳ بهار ۱۳۸۴
- ۶) خسروی، شیما و شهسواری، شکوفه و پروین، طاهره و دوستدار، سارا، ۱۴۰۲، تاثیر آموزش و پرورش در توسعه فرهنگ سیاسی و جامعه‌پذیری افراد، ششمین همایش بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان.
- ۷) دارابی مسعود (۱۳۹۴) بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت سیاسی زنان در استان همدان مطالعه موردی شهر نهاوند، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، جوانان سال چهارم شماره ۱۷ بهار ۱۳۹۴،
- ۸) درگاهی حسین (۱۳۹۳) بررسی میزان تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد، بابل پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل
- ۹) راش مایکل (۱۳۷۷)، «جامعه و سیاست مقدمه ای بر جامعه‌شناسی سیاسی تهران چاپ پنجم، سمت.

- ۱۰) رنجبردودره، مجتبی و کریمی، امین و میرزایی، علی و چشمه کبودی، مجید، ۱۴۰۲، نقش نهاد آموزش و پرورش در جامعه پذیری سیاسی افراد، ششمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان.
- ۱۱) رضایی علی اکبر و زهره ای محمد علی (۱۳۹۰) ابتکار عمل در برنامه ریزی و ارزیابی عملکرد فرهنگی تهران یادآوران
- ۱۲) زنگنه، آریتا و هاشمی، عبدالرضا و ارجمند سیاهپوش، اسحق، ۱۴۰۰، بررسی موانع جامعه پذیری سیاسی زنان فرهنگی اهواز.
- ۱۳) سراج زاده سید حسین (۱۳۶۸) (بررسی) میزان مشارکت مردم در انتخابات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پایان نامه کارشناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۶۸
- ۱۴) سیدامامی کاووس (۱۳۸۶) مشارکت سیاسی دانشجویان ارزیابی برخی از پیش بینی کننده های مشارکت، سیاسی پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۱.
- ۱۵) سیدامامی کاووس، افتخاری، اصغر و عبدالله عبدالمطلب (۱۳۸۵) ارزشها و نگرشها و رفتار سیاسی، جوانان گزارش طرح پژوهشی، سازمان ملی جوانان
- ۱۶) فاطمی، امین زینب (۱۳۸۸) بررسی عوامل اجتماعی و روانی موثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران پژوهشنامه علوم سیاسی سال پنجم شماره اول صص ۱۹۹-۲۲۶.
- ۱۷) گیدنز آنتونی (۱۳۸۴) پیامدهای مدرنیت (مترجم)، محسن ثلاثی). تهران: نشر مرکز
- ۱۸) محسنی، تبریزی علیرضا طباطبایی قاضی و مرجانی هادی (۱۳۸۲) مشارکت سیاسی بانوان در ۱۲۸ استان کشور وزارت کشور پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
- ۱۹) مصطفی نسرین، (۱۳۷۵)، «مشارکت سیاسی زنان در ایران تهران وزارت امور خارجه موسسه چاپ و انتشارات.

1. Ashraf A. EL ghannam (2003)" Analytical study of women's participation in Political life

inrbSocieties" Equal opportunities international. Vol. 22. Iss: 8. Pp 3853.

2. Badescu, Gabriel, Sum Paul and Uslaner, Ericm. (2009). Civil society development and democratic Values in Romania and Moldova. Easter European Politics and societies. Vol 18: pp 376-341.
3. Chris Yang Hongwei and DeHart L., Jean (2016) Social Media Use and Online Political Participation among College Students during the US Election 2012, Social Media + Society, pp: 1-18.
4. Gailpachco, thomaslange. (2010)" Political participation and life satisfaction: a Cross ErosEurope analysis" international journal of Social Economics Vol 37. Issue 9. pp. 686-702.
5. Kotler, Berkowitz, L. (2005), "Friends and Politics: Linking Diverse Friendship Networks to Political Participation", Pp: 152-170 in The Social Logic of Politics, edited by
6. S. Zuckerman, Philadelphia: Temple University Press. NeilcRotheroe. Lizmille (2008)" Innovation in SociaenterProies achieving auser Participation modal" Social enter prisejournal, Vol 4. Issue 3 pp. 242-280.
7. Patulny roger (2005)" Social rights and Social Capital Welfare and cooperation in Complex global Society" Australian review if public affairs. Vol. 6. No. 7 pp 5975.
8. Pau manning (2010)" pitman and radical Socio economic theory" International journal of Social Economics. Vol 37. Issue 3. Pp. 254-269.
9. Verba, S., Schlozman, K. L., & Brady, H. E. (1995), Voice and equality: Civic voluntarism in American politics, Cambridge, MA: Harvard University Press